



University of Tehran press

Research in Contemporary World Literature

http://jor.ut.ac.ir, Email: pajuhesh@ut.ac.ir

p-ISSN : 2588-4131 e-ISSN: 2588 -7092

A New Historicist Reading of Dickens' *Great Expectations*: Dickens' Pip Studied Through Victorian Ideals

Mostafa Sadeghi Garmaroodi¹ 0000-0003-1096-0950 Maryam Soltan Beyad² 0000-0003-1096-0964
Zohreh Ramin³ 0000-0001-8841-5400

1. Member of the academic faculty of the Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran. E-mail: mostafasadeghi95@yahoo.com
2. Department of Persian Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: msbeyad@ut.ac.ir
3. Department of Persian Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: zramin@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 16 November 2022

Received in revised form: 17
January 2023

Accepted: 21 January 2023

Published online: Autumn 2024

Keywords:

Victorian Ideals, New

Historicism, Children, *Great*

Expectations, Reality.

ABSTRACT

Victorian society was paradoxical as far as the idea of childhood is concerned, because although it perceived childhood as an essential period in a person's life, most of its juveniles were not given the chance to experience growth and a safe transition into adulthood. Charles Dickens' *Great Expectations* (1861) provides great insight into Victorian society. Dickens is actually the voice of the voiceless people, especially orphans. Dickens' child characters are either orphaned or of unknown parentage. His novels are full of neglected, exploited, or abused children. Dickens paints an extremely vivid picture of childhood. The reader is able to enter the mind of the child hero and see the world through his eyes. This might have been partly influenced by Dickens' own horrible childhood experience. Dickens in a way rewrites his own painful, unforgettable memories of childhood in the novel. In fact, by choosing a child as the protagonist of the novel, Dickens could make a contrast between the real ideals of his character and those of the Victorian society as he shatters those ideals. Thus, the aim of this paper is to examine the ideals of children in the Victorian age and to compare them with the reality by adopting the new historicist approach. Since new historicism is based on the premise that a literary text should be considered a product of the time, place, and circumstances of its composition, the historical and social conditions of this era will be analyzed.

Cite this article: Sadeghi Garmaroodi, Mostafa; Maryam Beyad, Soltan & Ramin Zohre. "A New Historicist Reading of Dickens' *Great Expectations*: Dickens' Pip Studied Through Victorian Ideals" *Research in Contemporary World Literature*, 2024, 29 (2), 551-579. DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2023.351153.2360>.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2023.351153.2360>.



خوانش رمان *آرزوهای بزرگ* چارلز دیکنز از دیدگاه تاریخ‌گرایی جدید؛ پپ و ایده‌آل‌های دوره‌ی ویکتوریا

مصطفی صادقی گرمارودی^۱، مریم سلطان بیاد^۲، زهره رامین^۳

۱. گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده زبانها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mostafasadeghi95@yahoo.com

۲. گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده زبانها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: msbeyad@ut.ac.ir

۳. گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده زبانها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: zramin@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

کودکی دوران مهمی از زندگی همه‌ی انسان‌هاست و شرایط موجود در دوران کودکی تاثیر بسزایی در آینده‌ی هر فردی دارد. چارلز دیکنز یکی از نویسندگانی است که با انتخاب کودکان به‌عنوان قهرمان بیشتر رمان‌هایش، بیش از دیگران به مسئله‌ی کودکی پرداخته است. عصر ویکتوریا، دوران طلایی ادبیات کودکان نامیده می‌شود؛ اما جامعه‌ی ویکتوریا درمورد کودکان به‌طورمتناقضی عمل می‌کند؛ زیرا دوران کودکی را به‌عنوان یک دوره‌ی ضروری در زندگی یک فرد می‌داند، اما به اکثر کودکان این فرصت را نمی‌دهد که رشد و انتقال ایمن به بزرگسالی را تجربه کنند. رمان *آرزوهای بزرگ* چارلز دیکنز به‌طورخاص بیش‌ترگی از جامعه‌ی ویکتوریا را ارائه می‌کند. شخصیت‌های کودک دیکنز یا یتیم هستند یا اینکه والدینشان مشخص نیست و رمان‌های او مملو از کودکانی است که مورد غفلت یا آزار قرار گرفته‌اند. دیکنز تصویری بسیار واضح از دوران کودکی را در رمان خود ترسیم می‌کند. خواننده می‌تواند وارد ذهن قهرمان کودک رمان شود و جهان را از چشم یک کودک در عصر ویکتوریا ببیند. نگارنده بر این باور است که دیکنز با انتخاب یک کودک به‌عنوان قهرمان رمان خود و با بیان واقعیت‌ها در مورد کودکان، توانسته است ایده‌آل‌های دروغین ویکتوریایی در مورد کودکان را در هم بشکند. شایان ذکر است که مطالعات در مورد تحلیل رمان‌های دیکنز از دیدگاه تاریخ‌نگاری جدید بسیار محدود انجام شده است و رمان *آرزوهای بزرگ* به‌عنوان رمان کمتر بررسی شده از این دیدگاه انتخاب شده است. در تحلیل ایده‌آل‌های کودکان تاثیر شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوره‌ی ویکتوریا و نیز شرایط زندگی خود دیکنز در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که رویکرد تاریخ‌گرایی جدید بر این فرض استوار است که یک متن ادبی را باید محصول زمان، مکان و شرایط آن دانست، رویکردی مناسب برای تحلیل ایده‌آل‌های کودکان در رمان *آرزوهای بزرگ* می‌باشد. دیکنز در این رمان با استفاده از تجربه‌ی خودزیسته و نیز درک درست و منصفانه از شرایط تاریخی و اجتماعی حاکم بر دوره‌ی ویکتوریا، تصویری واقعی از شرایط کودکان ارائه کرده است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

تاریخ انتشار: پاییز ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

آرمان‌های ویکتوریایی، تاریخ‌گرایی جدید، کودکان، *آرزوهای بزرگ*.

استناد: صادقی گرمارودی، مصطفی؛ بیاد، مریم سلطان و رامین، زهره. "خوانش رمان *آرزوهای بزرگ*" چارلز دیکنز از دیدگاه تاریخ‌نگاری جدید؛ مطالعه موردی شخصیت پپ با در نظر گرفتن آرمان‌های دوره ویکتوریا. *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، ۱۴۰۳، ۲۹ (۲)، ۵۵۱-۵۷۹.



DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2023.351153.2360>.

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱- مقدمه

کودک و ادبیات کودکان تا قبل از دیکنز آنچنان مورد توجه نبود (مک کلاچ ۱۸). چارلز دیکنز (۱۸۷۰-۱۸۱۲) یکی از نویسندگان مطرح در دوره‌ی ویکتوریا است که بیش از دیگران به مسئله‌ی کودکی پرداخته است و رمان‌هایش شخصیت‌های کودک زیادی دارد. جورج اورول^۱ با وجود اینکه از دیکنز انتقاد می‌کرد و او را نویسنده‌ای انقلابی نمی‌دانست، اما شیوه‌ی دیکنز را در به تصویر کشیدن کودکان در آثارش تحسین می‌کرد. او معتقد است که «هیچ نویسنده‌ی انگلیسی بهتر از دیکنز درباره‌ی دوران کودکی ننوشته است. ... ، هیچ رمان‌نویسی قدرت او را در ورود به دیدگاه کودک از خود نشان نداده است» (اورول ۷۲). با یک نگاه کلی به شخصیت‌هایی که دیکنز در رمان‌هایش آفریده می‌بینیم که قهرمان بیشتر آنها کودک یا نوجوان هستند. همچنین با در نظر گرفتن این مسئله که دوران ملکه ویکتوریا «عصر طلایی کودکی» نامیده می‌شود و با توجه به حجم زیادی از کتاب‌های نوشته شده در مورد کودکان یا آن دسته از کتاب‌های با قهرمان کودک به‌عنوان یک ژانر مهم در این دوران، می‌توان گفت واقعیت کودکان و ایده‌آل‌ها در مورد کودکان در دوران ویکتوریا مسئله‌ی حائز اهمیتی است.

کودکان در انگلستان ویکتوریایی

دوران ویکتوریا دوره‌ی سلطنت ملکه ویکتوریا از ۱۸۳۷ تا ۱۹۰۱ بود. شرایط کودکان در دوره‌ی ویکتوریا که «عصر طلایی کودکی» نامیده می‌شد، با آنچه که واقعا این عنوان می‌گوید؛ متفاوت بود. در قرن نوزدهم، شرایط زندگی مردم به موقعیت اجتماعی آنها بستگی داشت. در انگلستان ویکتوریایی، نجیب‌زاده‌ها زندگی کاملاً مرفه‌ی داشته‌اند و فرزندان آنها به‌طور خصوصی در خانه آموزش می‌دیدند یا در مدارس دستور زبان محلی شرکت می‌کردند. در دوران سلطنت ویکتوریا مدارس شبانه روزی بسیاری رواج یافتند. آموزش مدرسه بخشی از زندگی کودکان طبقه‌ی متوسط نیز بود. آنها همچنین در دبیرستان‌ها و مدارس خصوصی تحصیل می‌کردند. کودکانی که از خانواده‌های کارگری می‌آمدند نیز در صورتی که شرایط خانوادگی به آنها اجازه می‌داد، در آن مدارس شرکت می‌کردند. در بسیاری از موارد تحصیل به معنای شروع بهتر برای زندگی و آینده شغلی آنها بود. کودکانی که دارای پیشینه‌ی خانوادگی ضعیف بودند، معمولاً نمی‌توانستند وقت خود را در مدرسه بگذرانند؛ چون معمولاً هم پدر و هم مادر مجبور بودند کار کنند تا از خانواده حمایت کنند؛ بنابراین فرزندان کوچک اغلب توسط خواهر و برادر بزرگترشان مراقبت می‌شدند. همچنین در خانواده‌های فقیر به منظور تامین خانواده، کار کردن بچه‌های کوچک نیز مورد نیاز بود. آنها مجبور بودند برای کسب درآمد در جاهای مختلف جامعه از جمله صنعت نساجی و همچنین در خانه نیز کار کنند. در دهه ۱۸۴۰ کار کردن همه‌ی افراد از جمله کودکان توسط قانون تنظیم می‌شد، اما هنوز تجارت‌های غیرقانونی برای استثمار کودکان وجود داشت.

¹ George Orwell

پسران جوان اغلب به‌عنوان دودکش پاک کن و دختران به‌عنوان خدمتکار و دیگر مشاغل به‌کار مشغول بودند (بون ۷۴-۶۸).

در دوران سلطنت ملکه ویکتوریا، بریتانیا کشوری بود که هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی در اوج قدرت خود قرار داشت. در خارج از کشور، بریتانیا بر سیاست جهانی تسلط داشت. در حوزه داخلی، انقلاب صنعتی در اوج خود بود. برای کسانی که ثروت و نفوذ داشتند، دوران سلطنت ملکه ویکتوریا نه تنها زمان تغییر، بلکه زمان شکوفایی بود. با این حال، تعداد زیادی از مردم در این دوره به شدت در رنج و سختی بودند و بسیاری از نویسندگان را به انتقاد از سرعت زیاد زندگی، مادی‌گرایی صرف و بی‌عدالتی سوق داد. ملکه ویکتوریا، که این دوره به نام وی نامگذاری شده است، زمانی که در سال ۱۸۳۷ به سلطنت رسید، تنها ۱۸ سال داشت. او بیش از ۶۰ سال سلطنت کرد، یعنی مدت زمان سلطنت وی بیش از هر پادشاه انگلیسی قبل از خودش بود (بون ۷۰-۵۶).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عصر ویکتوریا «تغییر» است. همه‌ی مسائلی که در قرون گذشته به‌عنوان حقیقتی اصیل تلقی می‌شد، مورد تردید قرار گرفت. تقریباً همه‌ی نهادهای جامعه، تحت تأثیر تغییرات سریع و غیرقابل پیش‌بینی قرار گرفتند. قرن نوزدهم دوران تحولات اجتماعی و سیاسی بزرگی بود که تحت تأثیر انقلاب فرانسه قرار داشت، و ترس از گسترش این انقلاب در بریتانیا به اوج خود رسید. جنبش‌ها و تغییراتی مانند جنبش آکسفورد، لایحه‌های اصلاحات و چارتریزم نیز وجود داشت. همچنین تأثیر علم و به‌ویژه صنعتی شدن بسیار مهم بود. در دوران ویکتوریا، انقلاب صنعتی بریتانیا را به یک کشور صنعتی مدرن تبدیل کرده بود. تا سال ۱۸۵۰، انگلستان دارای ۱۸۰۰۰ کارخانه پنبه بود و نیمی از آهن جهان را تولید می‌کرد (بون ۸۹-۷۸). بهبود فناوری ماشین بخار منجر به افزایش تولیدات کارخانه‌ها شد. نیاز به تولید شتاب بیشتری گرفت و پایه‌های یک اقتصاد آزاد بنا نهاده شد. همزمان، پیشرفت‌های علمی اختراعات جدیدی مانند تلفن، لامپ، رادیو و اتومبیل و پیشرفت در علم پزشکی را به ارمغان آورد، همچنین طبقه‌ی متوسط رشد کرد و شرایط برای فقرا غیرقابل تحمل شد. یکی از نتایج وحشتناک انقلاب صنعتی «کودکان کار» بود. کارگران کارخانه، از جمله بسیاری از کودکان، ساعات طولانی را در شرایط سخت و خطرناک با دستمزدهای پایین سپری می‌کردند. همچنین قابل ذکر است که دوران ویکتوریا در انگلستان از لحاظ جمعیتی جامعه‌ای با تعداد بالای کودکان بود. در تمام دوران سلطنت ویکتوریا، از هر سه نفر، یک نفر زیر پانزده سال سن داشت (بون ۹۵). بنابراین، «کودکی» می‌تواند موضوعی بسیار مهم باشد که باید مورد بحث قرار گیرد. برای تحلیل جنبه‌های کودکی در رمان دیکنز، توجه ویژه به وضعیت اجتماعی و تاریخی جامعه ویکتوریا و پیامدهایی

که برای کودکان داشت از اهمیت بسزایی برخوردار است. با توجه به این واقعیت که آثار دیکنز در زمان خودش هم بسیار محبوب و پرخواننده بود، شاید مفید باشد که پیش زمینه‌های اجتماعی تاریخی آن دوره را به‌طور دقیق در نظر بگیریم تا ببینیم مفهوم کودکی با گذشت زمان چه تغییراتی کرده است. علاوه بر این وضعیت اجتماعی و تاریخی را با رویکرد تاریخ‌گرایی جدید (نو تاریخی) بهتر می‌توان تحلیل کرد.

پژوهشگران و نویسندگان مختلفی مسائل تاریخی، اجتماعی و سیاسی در عصر ویکتوریا را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. وب ویکتوریا^۱ سایتی بسیار مفید برای تحلیل رمان‌های دیکنز از منظرهای مختلف با در نظر گرفتن مقولات مختلف آن عصر از جمله جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی است. بون در کتابش با عنوان *تاریک‌ترین جوانی انگلستان: کودکان طبقه‌ی کارگر در قلب امپراطوری ویکتوریا* (۲۰۰۵) به بررسی وضعیت اسفناک کودکان در دوران ملکه ویکتوریا پرداخته و ستمی که در حق کودکان روا داشته می‌شده را به تصویر کشیده است. تاکر (۲۰۱۴) در کتابش با عنوان *راهنمای جدید برای فرهنگ و ادبیات دوره ویکتوریا* اطلاعات زیادی در مورد تغییر و تحولات دوره‌ی ویکتوریا به ما می‌دهد. علاوه بر این، مونیکا فلگل (۲۰۰۹) در کتاب خود با عنوان *مفهوم ظلم به کودکان در قرن نوزدهم انگلستان*، به‌طور مفصل درباره مشکلات کودکان در قرن نوزدهم صحبت کرده است. گاوین (۲۰۱۲) در کتاب خود، *کودک در ادبیات بریتانیا*، به بررسی تاریخی مشکلات کودکان در دوره‌های مختلف از جمله عصر ویکتوریا پرداخته است. مک. کلاچ (۲۰۱۱) در کتاب *ادبیات کودکان در پس‌زمینه نیز همین کار را کرده است*. پیتر کاونی (۱۹۶۷) هم در کتابش *تصویر کودکی: فرد و جامعه موضوع کودکی را به‌طور تاریخی و روانشناختی تحلیل کرده است*. پیتر هانت (۱۹۹۴) در کتاب *درآمدی بر ادبیات کودکان به تحلیل دوران کودکی و کودکان در طول تاریخ در آثار ادبی مختلف پرداخته است*. وی به بررسی ادبیاتی جدید برای کودکان در دوران ویکتوریا با عنوان «دوران طلایی ادبیات کودکان» در فصل ۱۰ کتاب خود می‌پردازد و ادبیات این دوران از جمله دیکنز را تحلیل می‌کند. به منظور تجزیه و تحلیل دقیق رمان *آرزوهای بزرگ دیکنز* و رابطه بین ایده‌های دیکنز در مورد کودکان و ایده‌آل‌های دوران ویکتوریا، کتاب‌های متعددی مانند: کتاب چستر تون به نام *نقد و ارزیابی آثار چارلز دیکنز* (۲۰۰۱)، کتاب پل دیویس *راهنمای انتقادی در مورد چارلز دیکنز* (۲۰۰۷)؛ *چارلز دیکنز اثر اسلیتر* (۲۰۰۹)؛ کتاب میلر با عنوان *چارلز دیکنز: دنیای رمان‌های او* (۱۹۷۰) و منابع دیگری که در کتابشناسی ذکر شده است، مطالعه شد. داتا (۲۰۱۴) در کتابش *کودکان در رمان‌های دیکنز*، مسئله‌ی کودکان را در رمان‌های دیکنز تجزیه و تحلیل کرده است. همچنین ریچارد لاک (۲۰۱۱) در کتاب

^۱ Victorian Web

خود به نام استفاده از دوران کودکی در ده رمان، به مسئله‌ی کودکان در رمان‌های مختلف از جمله آرزوهای بزرگ دیکنز پرداخته است.

برای بررسی شخصیت اصلی رمان آرزوهای بزرگ چارلز دیکنز، کتاب‌ها و مقالات گوناگونی مطالعه شد؛ از جمله کتاب جک پی رولینگز با عنوان آرزوهای بزرگ: دیکنز و خیانت به کودک (۲۰۱۱) که به بررسی و تحلیل شخصیت پیپ با توجه به شرایط موجود اجتماعی دوران دیکنز می‌پردازد. برای بررسی رمان از دیدگاه روانشناختی و جامعه‌شناسی سه مقاله «پیپ قهرمان و پیپ گناهکار: مطالعه احساس گناه در آرزوهای بزرگ» (۱۹۹۳) نوشته تی ناکاجیما و «دیکنز، خانواده و نویسندگی: دیدگاه روانشناختی بر خویشاوندی و خلاقیت» (۲۰۰۸) اثر ال کین و نیز «آرزوهای بزرگ چارلز دیکنز: نجاتبخش شکست خورده و سرنوشت یتیم» (۲۰۱۳) نوشته آر. گریس به نقد این رمان از دیدگاه‌های گفته شده پرداخته‌اند. کتاب مقدمه‌ای بر آرزوهای بزرگ چارلز دیکنز (۲۰۰۴) نوشته اف استفانی و نیز مقاله‌ی «درپی نجیب زادگی: بررسی پیپ در آرزوهای بزرگ چارلز دیکنز» (۱۹۹۵) نوشته سی ورنبری هم نقدهای خوبی در زمینه تاریخ و فرهنگ ویکتوریایی و ارتباط آنها با رمان صحبت می‌کند.

به منظور تحلیل رمان دیکنز با رویکرد تاریخ‌گرایی جدید، از کتاب‌های مختلفی استفاده شده است از جمله، کتاب تاریخ‌گرایی جدید و ماتریالیسم فرهنگی اثر برانینگان (۱۹۹۸)؛ پیاده کردن تاریخ‌گرایی جدید اثر گالاگر و گرینبلات (۲۰۰۰) به سوی شاعرانگی فرهنگ اثر استفان گرینبلات (۱۹۸۷) که منابع خوبی در مورد تاریخ‌گرایی جدید هستند. از آنجایی که تاریخ‌گرایی جدید به شرح حال و تاریخ نویسنده و متن می‌پردازد باید زندگی نامه دیکنز را تحلیل کرد. بدین منظور کتاب‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفت. باربارا هاردی (۲۰۰۸) در کتاب دیکنز و خلاقیت، تجربه دیکنز در دوران کودکی، از جمله دوران سخت کارخانه واکس‌سازی را توضیح می‌دهد و کاوش دیکنز در خیابان‌های لندن را منبع الهام بخشی برای آثار خلاقانه اش می‌داند. نظر هاردی با ادعای مکنزی در کتابش با عنوان دیکنز: یک زندگی (۱۹۷۹) تایید می‌شود: «همان‌طور که شوک رفتن به کار در کارخانه وارن بدتر از سختی واقعی بود، تحمل تنهایی وضعیت جدید او نیز از فقر سخت‌تر بود. او را به مردانگی زودرس انداخته بود. مشتاق دوران کودکی بود که به طرز وحشتناکی از دست داده بود» (۱۵).

یکی دیگر از منابع مهمی که در زمینه خوانش تاریخ‌گرایی نوین از آثار دیکنز کار کرده است، کتاب دیکنز و تاریخ‌گرایی نوین اثر ویلیام جی پالم (۱۹۹۸) است که چندین رمان دیکنز از جمله نیکلاس نیکلی، الیور توئیست و داستان دو شهر و چند رمان دیگر وی را با توجه به تحولات تاریخی از این دیدگاه بررسی کرده است. اما رمان آرزوهای بزرگ از این دیدگاه مورد بررسی قرار نگرفته است. پالم

معتقد است که «فلسفه تاریخی دیکنز در رمان‌هایش یک تلاش مضمونی پیوسته در پروژه‌های رمان‌ها است، به‌خصوص این که وی فلسفه تاریخی دوران ویکتوریا را همگام با بیان تاریخی یک دسته از صداهای مغفول مانده مطرح می‌کند» (۱۳). نویسنده در این کتاب، نظریه‌های انتقادی تاریخ‌گرایان نوین را که به وسیله گرینبلات، میشل فوکو و دیگران بیان شده است، به‌عنوان کانون توجه خود در نظرمی‌گیرد و تحلیلی انتقادی از بعضی از آثار دیکنز ارائه می‌کند. پالمر استفاده دیکنز از تاریخ فلسفی، اقتصادی و ادبی را به‌عنوان مولد اصلی طرح، موضوع و شخصیت در رمان‌هایش در نظر می‌گیرد. او نشان می‌دهد که دیکنز نه تنها به افراد به حاشیه رانده شده در جامعه خود به‌خصوص کودکان توجه ویژه داشته است، بلکه با داستانهای خود باعث شده که صدای آنان در عصر ویکتوریایی و پس از آن شنیده شود. بنابراین، با استفاده از تحلیل‌های این اثر و کتاب‌ها و مقالات دیگری که در قسمت کتابشناسی ذکر شده اند، نگارنده بر آن است تا این رمان دیکنز را از دیدگاه تاریخ‌گرایی جدید، بررسی نماید.

در این مقاله رمان *آرزوهای بزرگ* چارلز دیکنز با رویکرد «تاریخ‌گرایی جدید» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع، هدف این است که رمان *آرزوهای بزرگ* چارلز دیکنز با توجه به تغییرات اجتماعی، تاریخی و سیاسی عصر ویکتوریا مورد بحث قرار گیرد. از آنجایی که کودکان در عصر ویکتوریا را می‌توان گروهی به حاشیه کشانده شده دانست، تحلیل کودکان با در نظر گرفتن رابطه متن رمان و بافت تاریخی آن می‌تواند برای درک وضعیت واقعی کودکان روشنگر باشد. ایده‌هایی درباره‌ی کودکان در عصر ویکتوریا وجود داشت که با واقعیت وضعیت آنها در تضاد است. هدف این مقاله به نوعی بررسی آرمان‌های عصر ویکتوریا و آرمان‌های دیکنز با دیدگاه تاریخ‌گرایی جدید می‌باشد.

یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ‌گرایی جدید، امتناع آن از جداسازی متون ادبی از متون غیر ادبی است. تاریخ‌گرایان جدید همه‌ی متون را، چه ادبی و چه غیر ادبی، به‌عنوان مقولات فرهنگی می‌شناسند. بنابراین، در خوانش تاریخ‌گرایانه جدید از یک متن ادبی، درک فرهنگ و جامعه‌ای که متن را تولید کرده است، ضروری است. تاریخ‌گرایان جدید در نقد ادبی به تاریخ بازمی‌گردند و خود تاریخ را به‌عنوان یک «متن» در نظر می‌گیرند و می‌پذیرند که خود مورخ هم در دام «تاریخ‌گرایی» گرفتار شده است. عبارت‌های کلیدی در تاریخ‌گرایی جدید شامل «تاریخی بودن متن» و «متنی بودن تاریخ» می‌باشند (ویزر ۱۴۲). استفان گرینبلات (۱۹۷۸) تاریخ‌گرایی جدید را این‌گونه تعریف می‌کند: «حرکت از نقدی متمرکز بر «شکل‌های کلامی» به سمت نقدی متمرکز بر مقولات فرهنگی» (۳). و در مورد نقش‌های متقابل تاریخی و ادبی اظهار نظر می‌کند. به گفته ویزر (۱۹۸۹)، تاریخ‌گرایی جدید همچنین با مخاطب قراردادن افراد تحت ستم و به حاشیه رانده شده در جامعه از نظر فرهنگی و روانی، خوانشی

سیاسی از متن ارایه می‌کند (۱۴۵). کودکان در عصر ویکتوریا را می‌توان به‌عنوان این گروه به حاشیه رانده شده در نظر گرفت. تاریخ‌گرایی جدید به هر اثر ادبی با تمرکز بر زمان، شرایط و تاریخ آن می‌نگرد. به گفته گالاگر (۱۹۸۹)، فرآیند خواندن یک متن ادبی در پرتو نظریه‌های تاریخ‌گرایانه جدید، شامل خواندن متون ادبی و غیرادبی به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده‌ی گفتمان‌های تاریخی است که درون و بیرون متن هستند. دست اندرکاران تاریخ‌گرایی جدید ارتباط بین متون، تاریخ، فرهنگ و زندگی نامه نویسنده را دنبال می‌کنند.

از آنجا که رویکرد تاریخ‌گرایی جدید بر این فرض استوار است که یک متن ادبی را باید محصول زمان، مکان و شرایط آن دانست، وضعیت تاریخی و اجتماعی این عصر مورد تحلیل قرار می‌گیرد. هدف مقاله‌ی حاضر، این است که با بررسی وقایع تاریخی و نیز زندگی خود نویسنده در مورد شرایط واقعی کودکان در دوران ویکتوریا آن‌گونه که در *رمان آرزوهای بزرگ* به تصویر کشیده شده بحث کند و ایده‌آل‌های آن دوران در مورد کودکان را مورد بررسی قرار دهد. ذکر این نکته ضروری است که بیشتر رمان‌های دیکنز از دیدگاه‌های مختلفی مثل دیدگاه روانشناختی، جامعه‌شناسی، مارکسیستی، فرمالیستی و ... بررسی شده‌اند؛ اما از دیدگاه تاریخ‌نگاری جدید کمتر مورد تحلیل قرار گرفته‌اند؛ به همین دلیل *رمان آرزوهای بزرگ* وی برای تحلیل انتخاب شده است.

این مقاله در نظر دارد تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

ایده‌آل‌های دوره ویکتوریا در *رمان دیکنز چطور به‌صورت متناقض نمود پیدا کرده‌اند؟*
 چارلز دیکنز با شخصیت پیپ چگونه توانسته شرایط کودکان را در دوران ویکتوریا به تصویر بکشد؟
رمان آرزوهای بزرگ چارلز دیکنز چقدر از وقایع تاریخی و زندگی شخصی دیکنز تاثیر پذیرفته و چه مقدار این تاثیر در اثرش منعکس شده است؟

۲- بحث و بررسی

تأثیر دوران کودکی چارلز دیکنز بر آثار او

پیش زمینه زندگی‌نامه‌ای که *آرزوهای بزرگ* چارلز دیکنز با تاثیر از آنها نوشته شده است می‌تواند به ما در تحلیل این رمان کمک کند؛ زیرا بین متن و تاریخ تعامل وجود دارد و زندگی نویسنده بخش مهمی برای تعریف این رابطه است. جنبه‌های خاصی از زندگی دیکنز، به‌ویژه دوران کودکی‌اش، او را تحت تأثیر قرار داده و در بیشتر رمان‌هایش منعکس شده است. او تا حد زیادی از تجربه‌ی زیسته‌اش در آثارش استفاده کرده است. مهمترین لحظه‌ی کودکی دیکنز زمانی رخ داد که پدرش، جان دیکنز، مشکلات مالی را تجربه کرد و به زندان مارشال سی فرستاده شد (اسلیتر ۲۱-۲۰). جان دیکنز تمام

خانواده‌اش به استثنای چارلز را با خود برد. جان تربیتی داد که چارلز در کارخانه‌ی واکس‌سازی وارن استخدام شود و برچسب روی بطری‌ها را بچسباند. این رویداد - زندانی شدن خانواده و کارکردن چارلز - در فوریه ۱۸۲۴ رخ داد، یعنی زمانی که دیکنز فقط ۱۲ سال داشت. به گفته باربارا هاردی (۲۰۰۸)، تجربه‌ی دیکنز در دوران کودکی، به‌خصوص دوران سخت کارخانه واکس‌سازی، تأثیرات زیادی در زندگی و نویسندگی او داشته است از جمله اینکه اولاً، دوران کودکی دیکنز را مختل و تباہ کرد و ثانیاً، بعدها این حس را به دیکنز داد که دوران کودکی دوران بسیار ارزشمندی در زندگی یک انسان است و او را در این مسیر سوق داد که درباره‌ی کودکان و مشکلات آنها بنویسد.

یکی دیگر از عناصر قابل توجه دوران کودکی دیکنز، دسترسی داشتن به کتابخانه پدرش بود که شامل کتاب‌هایی مانند تام جونز، رابینسون کروزوئه و دیگر آثار کلاسیک بود. دیکنز بعداً گفت که همین کتاب‌ها بوده اند که «هیجان و امید من به چیزی فراتر از مکان و زمان را در من زنده نگه داشتند و دنیایی بخصوصی را ایجاد کردند» (مکنزی و مکنزی ۱۰). همچنین، اسلیتر (۲۰۰۹) به همین تأثیر بسزا در مورد ارزش کتابخانه پدر دیکنز اشاره می‌کند و اضافه می‌کند که این کتاب‌ها منبع الهام برای نوشتن بوده اند. بنابراین، تجربیات دوران کودکی دیکنز تا حد زیادی به نوشتن رمان‌هایش کمک کرد.

پیشینه‌ی تاریخی عصر ویکتوریا

در عصر ویکتوریا، «کودکی» موضوع غالب نویسندگان بود، زیرا «کودک کار» یکی از جنبه‌های وحشتناک موجود در جامعه بود. همچنین انفجار جمعیتی این دوره با حجم عظیمی از صنعتی شدن و شهرنشینی همراه شد. انقلاب صنعتی تأثیر زیادی بر دوران کودکی افراد داشت. در پایان قرن، اکثریت قریب به اتفاق کودکان به جای مناطق روستایی در شهرها زندگی می‌کردند. خانواده‌ها معمولاً بزرگ بودند. رشد سریع شهرها به سرعت به شلوغی بیش از حد و شرایط بد بهداشتی منجر شد. مهاجرت سریع به شهرها به شرایط بد زندگی مشکلات اجتماعی متعددی را ایجاد کرد. دلیل آن وجود فرصت‌های شغلی بیشتر در شهرها بود. کودکان فقیری که از دوران شیرخوارگی جان سالم به در برده بودند، اغلب در همان سنین پایین سر کار گذاشته می‌شدند. در دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰، بسیاری از کودکان در کارخانه‌های نساجی و معادن زغال‌سنگ کار می‌کردند، جایی که شرایط کار اغلب طاقت فرسا و کشنده بود. دختران پنج ساله به‌عنوان پرستار یا خدمتکار خانواده‌های ثروتمند به خدمات خانگی رفتند. کودکان روستایی در مزارع یا در صنایع کوچک کار می‌کردند، در حالی که هزاران کودک شهری به‌عنوان دستفروش در خیابان کار می‌کردند. بچه‌ها مجبور بودند تحت قوانین سخت‌گیرانه در کارخانه‌ها کارکنند. اگرچه «کار کودک» مفهوم جدیدی نبود، اما با ادامه صنعتی شدن، این مفهوم به‌ویژه در

شهرها بیشتر آشکار شد (مک کلاچ ۱۲). به گفته‌ی داتا^۱ (۲۰۱۴) در دهه‌ی ۱۸۳۰، ویکتوریایی‌ها قوانین مختلفی را با هدف حفاظت از رفاه کودکان در محل کار، مدرسه یا خانه تصویب کردند. قانون کارخانه ۱۸۳۳ تصریح می‌کرد که کودکان زیر ۹ سال مجاز به کار در کارخانه‌ها نیستند، و نیز افراد ۹ تا ۱۳ ساله به هشت ساعت کار در روز محدود شوند و باید دو ساعت در روز آموزش داشته باشند. این لایحه یک استدلال اخلاقی ایجاد کرد تا کودکان از محیط کار حذف شوند و در عوض به مدرسه بروند. «این لایحه، راه را برای آموزش اجباری هموار کرد که اولین بار در لایحه آموزش ۱۸۷۰ معرفی شد، هرچند تقریباً تا سال ۱۸۸۰ آموزش توسط سازمان‌های مذهبی کنترل می‌شد» (مک کلاچ ۱۴).

در کنار تحولاتی که در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رخ داد، تغییرات فرهنگی نیز در عصر ویکتوریا به وجود آمد که با در نظر گرفتن وضعیت کودکان به شدت مورد نیاز بود. اگر انقلاب صنعتی، انگلستان را در مسیر پیشرفت وارونه کرده بود، برخی از نویسندگان بر این باور بودند که جامعه‌ی انگلیسی باید یک بار دیگر متحول شود تا حس بازی آزادانه و شفقت انسانی به دست آید.

به گفته‌ی زایپس^۲ (۲۰۰۷) آثار برخی از نویسندگان مانند دیکنز و کارول^۳ دارای این ظرفیت هنری هستند که «تمایلات خود را با دغدغه‌های اجتماعی در حال رشد ترکیب می‌کنند، بدون اینکه در برابر تعلیم‌گرایی محض تسلیم شوند.» (۱۵۴). افراد بشر دوست، رهبران مذهبی، پزشکان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان همگی برای بهبود زندگی کودکان استثمار شده، اقداماتی انجام دادند. انگیزه‌ی این تغییر فرهنگی در مورد کودکان مربوط به پذیرش این ایده بود که کودکان موجودات معصومی هستند که باید از آسیب‌های دنیای بزرگسالان مصون بمانند و به آنها اجازه داده شود تا از دوران کودکی خود لذت ببرند.

ادبیات کودک و آثار ادبی با قهرمان کودک نیز می‌توانند دانشی در مورد هنجارها و رفتارهای اجتماعی و نیز ارزش‌ها و آرمان‌های اخلاقی به ما منتقل کنند. با گذشت قرن، نویسندگان و هنرمندان شروع به تولید تصاویر احساسی از کودکان کردند و بر ویژگی‌های فرشته‌گونه بودن آنها تأکید کردند. با این حال، اصلاحات واقعی به سرعت اتفاق نیفتاد. معضلاتی همچون میزان بالای مرگ و میر نوزادان، مدارس نامناسب، و کار کودکان تا پایان قرن ادامه یافت، و این نشان می‌دهد که بسیاری از ویکتوریایی‌ها هنوز متقاعد نشده بودند که دوران کودکی را واقعاً باید به‌عنوان یک دوره محافظت شده و وابستگی و رشد در نظر گرفت. ادبیات کودکان یکی از حوزه‌های در حال توسعه برای ناشران و

¹ Dutta

² Zeips

³ Carroll

خوانندگان در عصر ویکتوریا بود. یکی از نویسندگان مهمی که در رمان‌های خود به این معضل اجتماعی به‌ویژه مشکلات کودکان پرداخت، چارلز دیکنز است.

دیدگاه دوره‌ی ویکتوریا در مورد کودکان

گاهی اوقات تصور می‌شود که کتاب‌های کودک یا کتاب‌هایی که قهرمان آنها کودکان هستند، برای مخاطبان نسبتاً بی‌تجربه طراحی شده‌اند. بنابراین تحت تأثیر ایدئولوژی و سیاست نیستند و از دغدغه‌های جنسیتی، نژادی و طبقاتی و غیره فارغ هستند؛ حال آنکه، در واقع اینطور نیست. همان‌طور که پیتر هانت (۱۹۹۴) مطرح کرده است، بحث ایدئولوژی در ادبیات کودک مستلزم در نظر گرفتن چند موضوع در کنار هم است و در واقع گفتمان داستان کودک در نقطه‌ی مشترک تعدادی از گفتمان‌های دیگر مانند پرورش یافتن، اجتماعی شدن و آموزش دادن قرار می‌گیرد (۳۹)؛ به‌طور کلی، می‌توان گفت که «واقعیت در تعامل میان ایده‌ها ظاهر می‌شود، به بیان دیگر، مناسبات میان شخصیت‌ها واقعیت را به نمایش می‌گذارد» (بیاد و همکاران ۲۵۸)؛ حال می‌خواهد این ایده مربوط به کودکان باشد یا بزرگسالان؛ چرا که «بخشی از مبانی نظری هم‌کنشی بین نظام ادبیات و گفتمان انسانی را تجربه گفتمان در جهان‌های رویا پردازانه نظام ادبیات تشکیل می‌دهد.» (محمدی ۱۲۴) که این جهان‌ها را رمان نویسان ایجاد می‌کنند. دیکنز این جهان‌ها را با مینا قرار دادن مسایل اجتماعی و فرهنگی آن دوران به تصویر کشیده است. البته ایده کودکی در فرهنگ غرب با ویژگی‌هایی مانند معصومیت، آسیب‌پذیری و پاک بودن جنسیتی همراه است.

برای درک نگرش نسبت به کودکان در دوره‌ی ویکتوریا، بهتر است به عقایدی که در اعصار گذشته مانند دوران رمانتیک و قرن هجدهم وجود داشت، بازگردیم؛ چرا که برخی از آن ایده‌ها بر ادبیات ویکتوریایی تأثیر فوق‌العاده‌ای گذاشته‌اند. علاوه بر این، در عصر ویکتوریا بود که «دوران کودکی» و «ادبیات کودکان» به‌عنوان یک هویت فرهنگی متمایز ظهور کرد. به‌طور کلی، سه تأثیر فرهنگی اصلی بر ایده‌ی «کودکی» وجود داشت: انجیل‌شناسان تبلیغی^۱، روشنگری^۲، و رمانتیسیم^۳ (مک کلاچ ۱۰). انجیل‌شناسان تبلیغی، در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در بریتانیا در اوج بودند. آنها به اخلاق و آموزه‌های کتاب مقدس اعتقاد داشتند. مدارس شبانه روزی تاسیس شدند و در دهه‌ی ۱۸۲۰ اکثر کودکان فقیر در برخی از مراحل کودکی خود در چنین مدرسی درس می‌خواندند. جنبه‌ی منفی این دیدگاه این بود که نظر آنها مثل پیوریتن‌ها^۴ (تزکیه طلب‌ها)ی قرن هفدهم بود؛ بنابراین آنها به

¹ Evangelism

² Enlightenment

³ Romanticism

⁴ Puritans

وجود «گناه اصلی» در مورد کودکان معتقد بودند. در سال ۱۷۹۹، یک مجله والدین را تشویق می‌کرد که به فرزندان خود بقبولانند که آنها موجوداتی گناهکار و آلوده هستند. بچه‌ها را گناهکار می‌دانستند و هر تخلف انضباطی در مدرسه را توهین به خدا می‌دانستند (مک کلاچ ۹). البته، در این نگرش یک جنبه‌ی مثبت هم وجود داشت و آن اینکه در داستان‌های کودکان، گاهی بچه‌های خوب هم وجود داشتند که ممکن بود بر بچه‌های بد و حتی والدینشان و سایر بزرگسالان تاثیر بگذارند و آنها را به افراد خوبی تبدیل کنند. بنابراین، «انجیل شناسان تبلیغی، اگرچه نظراتی سرکوبگرانه داشتند و معتقد به وجود گناه اصلی در کودکان بودند، اما معتقد بودند که همه‌ی انسان‌ها می‌توانند نجات یابند» (مک کلاچ ۱۱).

با این حال، ایده‌های رایج از اواسط قرن هجدهم تا اواخر آنکه به عصر روشنگری معروف است، به نوعی متفاوت بود. ایده جان لاک در عصر روشنگری، رایج‌ترین ایده بود و شامل این نکته می‌شد که هر کودکی با یک لوح نانوشت^۱ به دنیا می‌آید. کودکان به‌عنوان حامل گناه اصلی دیده نمی‌شدند. بنابراین کودک تحت تاثیر محیط خود اعم از والدین، همسالان و آموزش قرار می‌گیرد. نظر لاک این بود که باید کتاب‌های بیشتری برای کودکان منتشر شود و همان‌طور که مک کلاچ از قول او گفته : «کودکان دارای ویژگی‌های خاص خود هستند و نباید به‌عنوان بزرگسالان کوچک در نظر گرفته شوند» (مک کلاچ ۹). از این رو، دوران روشنگری بر نقش عقل و پیشرفت در تربیت کودکان تأکید می‌کردند و معتقد بودند که می‌توان با آموزش کودکان را رشد داد.

برای رمانتیک‌ها که مخالف عصر عقل‌گرایی بودند، «قدرت تخیل و بینش» مهم بود و در واقع آنها مفهوم کودکی را از نو تعریف کردند. آنها دوران کودکی را یک حالت ذهنی می‌دانستند و نه فقط یک دوره گذرا در طول زندگی یک فرد. ژان ژاک روسو در کتاب «امیل: یا در مورد تعلیم و تربیت» دیدگاه روشنگری در مورد پیشرفت را به اشتراک گذاشته است. البته، او پیشنهاد کرد که باید با خواندن برای کودکان مخالفت کرد و فقط آثاری مانند رابینسون کروزوئه را توصیه می‌کرد. همان‌طور که گاوین می‌گوید کار دفو بر «ترویج شیوه یادگیری فردی و تجربی برای کودکان» روسو تأکید داشت (۸۸-۸۷) این رمان در گفتارهای مربوط به دوران کودکی آن زمان بسیار تاثیرگذار بوده است. زیرا «[این] تعدادی سؤال به وجود می‌آورد: اول در مورد جایگاه کودکان در ادبیات داستانی آن دوره به‌طور کلی‌تر و دوم در مورد اینکه چگونه ممکن است کتابی که به ظاهر ارتباط چندانی با کودکان ندارد، می‌تواند تا این حد درباره‌ی کودکان حرف بزند» (گاوین ۸۸). روسو بر ماهیت درست و شاد بودن رمان تأکید

¹ tabula rasa

می‌کرد و از مخرب بودن یک تخیل بیش فعال در مورد بچه‌ها می‌ترسید. به‌طور کلی، رمانتیک‌ها معتقد بودند که بینش و تخیل در دوران کودکی فعال‌تر هستند. آنها به اشکال مختلف تخیل، بینش، خیال و رویا علاقه‌مند بودند. در کودکی آنها بستر حاصلخیزی را یافتند که می‌توان در آن همه‌ی این توانایی‌ها را توسعه داد. همه‌ی آن تغییراتی که در قرن هجدهم روی داد تا «عصر طلایی کودکی» در قرن نوزدهم ادامه یافت.

اولین شاعران دوران رمانتیک که مفهوم کودکی را وارد ادبیات کردند ویلیام وردزورث^۱ و ویلیام بلیک^۲ بودند. اولین شاعر رمانتیک که دوران کودکی را با بینش خاص مرتبط کرد، ویلیام بلیک بود، که دوران کودکی خودش دوره‌ای از رویاها و تخیلات بود. وقتی پسر بچه بود، پیاده‌روی‌های طولانی در فضای باز و باغستان‌ها انجام می‌داد و داستان‌های فرشته‌ها را می‌پروراند. چنین باورهایی را می‌توان در شعر بلیک و به‌ویژه در «ترانه‌های بی‌گناهی» (Songs of Innocence) و «ترانه‌های تجربه» (Songs of Experience) مشاهده کرد. بلیک در مورد معصومیت و تخیل دوران کودکی و رابطه کودکی و طبیعت صحبت می‌کرد که عنصر اصلی در ادبیات رمانتیک شد.

علاوه بر این، ویلیام وردزورث، رهبر رمانتیک‌ها، بر دوران کودکی و اهمیت آن در شعر خود تأکید می‌کرد. همچنین وی با دیدگاهی ساده و معصومانه، کودک را به تصویر می‌کشید. نمونه‌ی آن در شعر «We Are Seven» "ما هفت نفر هستیم" می‌باشد که تفاوت بین دیدگاه یک کودک و یک بزرگسال در مورد زندگی و مرگ را به خوبی نشان می‌دهد؛ در جایی که کودک با وجود اینکه یک خواهر و یک برادر خود را از دست داده است، تأکید می‌کند که تعدادشان هفت نفر است و نه پنج نفر. «من دارم حرف بیهوده‌ای می‌زنم، چرا که دخترک اراده‌اش بر این است که تأکید کند، نه آقا، ما هفت نفر هستیم.» (وردزورث ۱۱۲) ویلیام وردزورث در پیش درآمد‌های خود به دوران طلایی زندگی خود یعنی دوران کودکی خود پرداخته است، جایی که او آزاد بود در اطراف مناظر و تفرجگاه‌های ایده‌آل انگلیسی پرسه بزند و لذت ببرد. دوران کودکی وردزورث لحظات رویایی برای او بودند. از دیدگاه او انسان در زمان تولد و در کودکی است که به خدا نزدیکتر می‌شود، در حالی که بزرگسالان با کم‌رنگ شدن خاطره‌ی جاودانگی در طول سال‌ها از آن دورتر می‌شوند. همان‌طور که مک. کلاچ (۲۰۱۱) بحث کرده است:

رمانتیک‌ها به خوبی ذاتی کودکان اعتقاد داشتند: اگر آنها گناهکار می‌شوند به این دلیل نیست که آنها کودک هستند، بلکه به این دلیل است که مریبان آنها خیر طبیعی را در آنها رشد و پرورش نداده‌اند.

¹ William Wordsworth

² William Blake

آنها کودک را بذر یا گیاه جوانی می‌دانستند که باید پرورش داده شود و این حالت شاد از منظر بزرگسالی با نوستالژی دردناکی نگریسته می‌شد که به منزله‌ی دور شدن از رابطه‌ی صمیمی با طبیعت بود که فقط یک کودک به آن دسترسی آنی دارد. بازبینی مجدد خاطرات دوران کودکی تنها راه حفظ پیوند با آن زمان محسوب می‌شد (۱۰).

شعر دیگر وردزورث، «قلب من می‌پرد بالا» (My Heart Leaps)، که با نام «رنگین کمان» (Rainbow) نیز شناخته می‌شود، لذتی را که با دیدن یک رنگین کمان احساس می‌کند، توصیف می‌کند و جمله‌ی معروف این شعر «کودک پدر انسان است» (وردزورث ۲۸۰)، در مورد دیدگاه رمانتیک درباره کودک است که دوران کودکی را زمان پاکی ذاتی می‌داند که کاملاً توسط «قوای کم‌نور و پوسیده» زندگی بزرگسالی آلوده نشده است و به سعادت سال‌های بعد، زمانی که فرد در به‌کارگیری عقل و «ذهن فلسفی» آرامش پیدا می‌کند، می‌رسد. «زندگی روی زمین سایه‌ای از وجود قبلی پاک‌تری است که در دوران کودکی به‌خوبی بازخوانی می‌شود و سپس در روند رشد فراموش می‌شود. غرایز اخلاقی دوران کودکی نیز به همین صراحت و قوت است و باید از آنها اطاعت کرد. کودک با درک دقیق خود از انسان بالغ به حقیقت نزدیکتر است» (هارپر ۱۹۲).

به‌طور خلاصه، برای درک طیف واکنش‌های ویکتوریایی به دوران کودکی و ایده‌آل‌های مربوط به کودکان، باید ایده‌های متفاوتی که قبل از عصر ویکتوریا وجود داشت، را نیز بررسی کرد. بنابراین بحث ما درباره دوران کودکی در عصر ویکتوریا نوعی مبارزه میان انجیل شناسان تبلیغی، رمانتیک‌ها و خردگرایان است. در مورد دیکنز، می‌توان گفت که وی بیشتر با عقاید رمانتیک‌ها درباره معصومیت کودکان موافق است. همان‌طور که ریچارد لاک (۲۰۱۱) گفته است: «دیکنز استفاده اخلاقی، روانی و فلسفی رمانتیک از کودک در قلمرو غزل و شعر حماسی رمان شخصی را به دایره‌المعارف رمان ویکتوریایی گسترش داد» (۱۳). او معتقد بود که «دیکنز مکرراً مضمونی را که در عبارت وردزورث - کودک پدر انسان است - بیان شده است، را در بیشتر رمان‌هایش با شجاعت، شادی، غم و عظمت بی‌سابقه بررسی کرده است» (۱۳).

همچنین با توجه به واقعیت شرایط سخت کودکان و معضل «کودک کار»، بهتر است همه جوانب ایده‌آل‌ها و آرمان‌های کودکان را در نظر بگیریم. علاوه بر این، ما باید بر رشد و پیامدهای شیفتگی بریتانیای قرن نوزدهم به کودکی ایده‌آل و تصویری که از واقعیت در این دوران می‌بینیم، تمرکز کنیم.

کودک ایده‌آل در مقابل کودک واقعی

در عصر ویکتوریا «کودکی» به‌عنوان یک حوزه‌ی مجزا از حوزه‌ی بزرگسالی در نظر گرفته می‌شد، همان‌طور که مک. کلاچ (۲۰۱۱) معتقد بود:

[دوران کودکی] تبدیل به یک دوران ارزشمند همراه با حس نوستالژی شد که باید مورد محافظت قرار گیرد، زیرا ویکتوریایی‌ها گفتمان‌های دوران رمانتیک درباره معصومیت کودکان را به ارث برده بودند. بزرگسالانی که به خاطرات کودکی خود احترام می‌گذاشتند، دوران کودکی خود را با گذشته‌ای ساده و بی‌زمان اما بهتر مرتبط می‌کردند، که اغلب به محلی برای فرار از تأثیرات بیگانه‌کننده دوران بزرگسالی، از جمله بیماری‌های زندگی شهری تبدیل می‌شد. بنابراین، مفهوم کودکی با سرمایه‌گذاری بزرگسالانی گسترش یافت که می‌خواستند آن دنیای پاک و معصوم را به‌عنوان بهشت عدن جدید در دنیایی سقوط کرده، حفظ کنند. ویکتوریایی‌ها دوران کودکی را بهترین دوران می‌دانستند و هر آنچه فراتر از آن بود را نوعی زیان و از دست دادن قلمداد می‌کردند (۱۴-۱۵).

ایده‌های ویکتوریایی درباره‌ی کودکان عمدتاً با ایده‌های رمانتیک‌ها مطابقت داشت و کودکان را معصوم، فرشته‌مانند و ذاتاً خوب می‌پنداشتند. «فرهنگ ویکتوریایی اغلب به‌عنوان فرهنگی که به پرورش دوران کودکی به‌مثابه‌ی مرحله مهم و خاصی از رشد انسانی می‌نگرد، معروف است به‌ویژه هنگامی که کودکان فرشته‌مانند را در آثار ادبی و هنری آن دوران به تصویر می‌کشند» (تمپل ۳۴۲). این را هم باید اضافه کرد که دوران کودکی در حقیقت به نوعی استعاره از خواسته‌های موجود در جامعه ویکتوریایی محسوب می‌شد و به‌عنوان وسیله‌ای برای تسکین ترس‌ها و اضطراب‌های آن دوران بود. با این وجود، نوعی تناقض آشکار بین رویای بزرگسالان از دوران کودکی و واقعیت موجود در جامعه ویکتوریایی از این دوران وجود دارد؛ چرا که کودکانی که در کارخانه‌ها یا معادن یا جاهای دیگر در جامعه صنعتی بریتانیا کار می‌کنند، اصلاً با تصویر رویایی از کودکان همخوانی ندارد. به گفته جیمز کینسد^۱ (۱۹۹۲)، «یکی از گیج‌کننده‌ترین اسرار فرهنگ ویکتوریایی این شکاف بین الیور توئیست کوچولو در رمان و الیور توئیست کوچولو در زندگی واقعی است» (۷۴)؛ زیرا یکی به کارهای مختلف گماشته می‌شود و مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد، و دیگری آن پسر بچه‌ای است که آرزوی همگان بود و در تصویر رویایی از کودکان نشان داده می‌شد. بنابراین، واقعیت چیز دیگری بود. اکثر خوانندگان رمان‌های ویکتوریایی تصویر رویایی از کودکی ایده‌آل را با واقعیت اشتباه می‌گیرند.

البته قانون جدید بینوایان ۱۸۳۴ می‌خواست نظم و کنترل را بر طبقه کارگر تحمیل کند. بر اساس قانون بینوایان، بسیاری از کودکان در لندن به شمال انگلستان و میدلندز منتقل شدند تا در کارخانه‌ها

¹ James Kincaid

کار کنند. در دهه ۱۸۷۰، اکثر ویکتوریایی‌ها احساس می‌کردند که ظلمی که در مورد کارکردن کودکان وجود داشته با تصویب این قوانین کاهش یافته است، اما مطمئناً تا زمان تصویب آن قوانین، یک دوره‌ی سیاه برای کودکان در تاریخ بریتانیا محسوب می‌شد. همان‌طور که مک.کلاچ خاطر نشان کرده است بسیاری از افراد از حذف کودکان از محل کار و درکل حذف کارکردن آنان حمایت می‌کردند، زیرا این را خلاف طبیعت کودک می‌دانستند، کودک بر مبنای طبیعتش، «معصوم و بازیگوش» تلقی می‌شد و همچنین این مسئله کاملاً با تصویر بریتانیا به‌عنوان رهبر جهانی و نیز مسایلی مثل آزادی و غایت فرهنگی در تضاد بود. با این حال، جامعه ویکتوریا از این نظر متناقض‌نما است. چون دوران کودکی را دورانی ضروری می‌دانست، با این حال به اکثر کودکان این فرصت داده نمی‌شد که به درستی رشد کنند و گذار به بزرگسالی را بدون خطر تجربه کنند.

خوانش تاریخ‌گرایی جدید از رمان‌آرزوهای بزرگ و تحلیل شخصیت پیپ

برای نویسنده‌گانی همچون دیکنز، دوران کودکی یادآور بی‌عدالتی‌های اجتماعی بود که در دوران کودکی متحمل شده بود و حتی زندگی بزرگسالی او را شکل می‌داد، زیرا تجربه سخت او در کارخانه واکس‌سازی در سن ۱۲ سالگی تأثیری فراموش‌نشدنی در طول زندگی‌اش داشته است. در *آرزوهای بزرگ* که یک رمان «رشد تدریجی شخصیت» (Bildungsroman) است، دیکنز در مورد رشد و تکامل شخصیت اصلی، یعنی پیپ صحبت می‌کند که هم قهرمان داستان و هم راوی داستان است. در نتیجه، اگر پیپ را درک کنیم، می‌توانیم تحلیل بهتری از کل رمان داشته باشیم.

همان‌طور که گفته شد، طبق نظر گرینبلات^۱ (۱۹۸۷)، تاریخ‌گرایی جدید شامل خوانش یا کنار هم قرار دادن متون ادبی و غیر ادبی یک دوره تاریخی است و به هر دو به یک اندازه اهمیت داده می‌شود. همچنین هم «تاریخی بودن متن» و هم «متنی بودن تاریخ» به عقیده ویزر^۲ (۱۹۸۹) حائز اهمیت است. مسائل تاریخی و نیز وقایع زندگی نامه‌ای دیکنز در بخش‌های قبلی مورد بحث قرار گرفت. مونیکا فلگل^۳ (۲۰۰۹) دیدگاه‌های متعددی را در مورد دنیای کودکی قرن نوزدهم در انگلستان ارائه می‌دهد. او توضیح می‌دهد که نگرش افراد به دوران کودکی در دوره ویکتوریا دستخوش تغییر شده است. علاوه بر این، تصور کودکانی که احتمالاً مورد غفلت یا آزار عاطفی یا فیزیکی قرار می‌گیرند به طبقه کارگر محدود نمی‌شود. علاوه بر این، تغییر نگرش نسبت به کودکان بر مبنای مفاهیمی همچون اخلاقی یا غیراخلاقی بودن انجام شده است. فلگل در مورد بازنمایی‌های ادبی دوران کودکی می‌گوید

¹ Greenblatt

² Veaser

³ Monica Flegel

که تصورات باقی‌مانده از دوران کودکی به‌عنوان دوران ذاتی تباهی اخلاقی، که با رشد انجیل‌شناسان تبلیغی در دوران ویکتوریا تقویت شد، به این معنی بود که ترس و انضباط در بسیاری از خانواده‌های ویکتوریایی عادی بود. بنابراین، در سراسر قرن نوزدهم، این تصور از کودک به‌عنوان فردی ذاتاً گناهکار باید با «ایده کودکی به‌عنوان زمان مناسب شادی» مقابله می‌کرد (فلگل ۱۴). بر طبق نظر فلگل، جامعه ویکتوریایی جامعه‌ای است که در آن احساس تغییر نگرش‌ها و رفتارها وجود دارد و بین دنیای تجربه زیسته و دنیای ادبیات یک تلاقی وجود دارد؛ و همان‌طور که گفته شده: «رابطه بشر و روایت رابطه‌ای دو طرفه است. داستان‌ها همه جا هستند؛ در سینماها، تئاتر، انیمیشن‌ها، پیام‌های بازرگانی، اشعار، مقالات روزنامه‌ها و رمان. همه ما از داستان‌ها بهره می‌بریم و زندگی ما به واسطه‌ی داستان‌ها شکل داده می‌شود» (بیاد و همکاران ۲۵۸). بنابراین، به این دلیل که شخصیت‌های نمایش داده شده در ادبیات آن دوران، معمولاً تقلیدی از واقعیت بودند و روایت‌های نشان داده شده در رمان‌ها در مورد کودکان بازتاب شرایط اجتماعی آنها در جامعه ویکتوریا بود، بررسی شخصیت کودکان در رمان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

رمان اوایل تا اواسط قرن نوزدهم در انگلستان به‌ویژه در توسعه روایت‌های جدید در مورد وضعیت بد طبقات پایین‌تر و کارگر و نیز وضعیت اسفناک کودکان نقش بسیار مهمی داشت. البته، حتی آن دسته از داستان‌هایی که مدعی پرداختن به زندگی خصوصی هستند، در امور اجتماعی نیز مداخله می‌کنند. به‌عنوان مثال، نویسندگانی مانند چارلز دیکنز، اگرچه همیشه لزوماً درگیر نوشتن رمان‌های لزوماً اجتماعی نبوده‌اند، اما از رمان به‌عنوان فضایی برای مطرح کردن سوژه‌های رنج‌کشیده جامعه مثل زنان و کودکان استفاده کرده‌اند. بنابراین مفهوم کودکی در دوران ویکتوریا اصلاً موضوع پیش‌پافتاده و ساده‌ای نبوده است.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، سه تأثیر فرهنگی اصلی بر ایده‌ی «کودکی» در این دوره وجود داشت: انجیل‌شناسان تبلیغی، روشنگری، و رمانتیسم. دیکنز بیشتر طرفدار نظرات رمانتیک‌ها بود که بر معصومیت طبیعی ذاتی کودکان تأکید می‌کرد. دیکنز این را در رمان‌های مختلف نشان می‌دهد. برای مثال، در الیور توئیست، او مفهوم معصومیت مقدس الیور را در تمام رمان حفظ کرده است. در بیشتر رمان‌های دیکنز، شخصیت‌های کودک یا یتیم هستند یا اینکه والدینشان مشخص نیست. رمان‌های او پر از کودکانی است که مورد غفلت، استعمار یا آزار قرار گرفته‌اند، به‌عنوان مثال پیپ (آرزوهای بزرگ)، استر (خانه متروکه)، الیور (الیور توئیست) و سیسی ژوپ (دوران سخت). در واقع، کودکان رمان‌هایش، افرادی آسیب‌پذیر و مستعد استعمار شدن هستند. بنابراین، مفهوم «معصومیت طبیعی» در مورد کودکان را در همه رمان‌های خود حفظ کرده است. دیکنز همانند روسو به خوبی ذاتی نوع بشر،

به‌ویژه کودکان اعتقاد داشت، حتی اگر نیروهای فاسد‌کننده تمدن در جامعه وجود داشته باشند. روسو معتقد بود که انسان‌ها به‌طور طبیعی خوب هستند و جامعه مسئول فساد آنهاست و در نهایت انسان‌ها قابل بازگشت به‌سوی کمال هستند. فلسفه روسو در مورد ماهیت نوع بشر را می‌توان در بیانیه‌ی آغازین اغلب نقل‌شده‌ی امیل خلاصه کرد: «همه چیز خوب است تا زمانی که دست خالق اشیاء است، همه چیز در دست انسان است که فاسد می‌شود» (فارس ۴). دیدگاه دیکنز در مورد کودکان مشابهت‌های زیادی با دیدگاه روسو دارد. در دیدگاه دیکنز، همواره نوعی خوش بینی نسبت به نوع بشر به خصوص کودکان وجود دارد. اعتقاد به این که انسان‌ها همیشه می‌توانند با وجود تأثیرات فاسد‌کننده جامعه متمدن، به سوی کمال حرکت کنند. وقتی ویژگی‌های جامعه متمدنی همچون جامعه ویکتوریا را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که طمع، غرور، رقابت، عدم صداقت، فساد، و فقدان شفقت در آن وجود دارد، یعنی همان ویژگی‌هایی که معمولاً دیکنز از آنها انتقاد می‌کند. پیتز کاونی^۱ (۱۹۶۷) که شباهت‌های بین ایده‌های دیکنز و روسو در مورد دوران کودکی را بررسی کرده است، می‌گوید که ایده‌ی «معصومیت اولیه» در مورد طبیعت کودکان، نشأت گرفته از کار شاعران رمانتیکی همچون بلیک و وردزورث می‌باشد. دیکنز، همچون روسو کاملاً در برابر باور قدیمی پذیرفته شده در مورد گناهکار بودن کودکان در بدو تولد می‌ایستد و به «معصومیت اولیه» آنها اعتقاد دارد. دیکنز با به تصویر کشیدن تأثیرات مخرب نهادهای جامعه که به دنبال تخریب معصومیت دوران کودکی هستند، اعتقاد خود را مبنی بر پاک بودن شخصیت‌های کودک نشان می‌دهد و اینکه دیکنز به خوبی طبیعی نوع بشر اعتقاد داشت یک واقعیت پذیرفته شده است (۱۲۵).

اغلب شخصیت‌های کودک دیکنز در برابر نیروهای فاسد‌کننده مقاومت می‌کنند، به‌عنوان مثال، الیور توئیست و نل کوچولو. با این حال، *آرزوهای بزرگ* به نوعی متفاوت است. چون پپ یکی از معدود شخصیت‌های دیکنز است که از یک کودک طبیعی به یک بزرگسال متمدن (به نوعی تحت تأثیر فساد) تبدیل می‌شود. این داستان در واقع داستان رستگاری است و برای رستگاری، شخصیت اصلی ابتدا باید مطابق با هنجارهای جامعه ویکتوریا متمدن شود. *آرزوهای بزرگ* بین سال‌های ۱۸۶۰ تا ۱۸۶۱ در مجله هفتگی به نام «تمام طول سال» (All Year Round) منتشر شد. این داستان حول وحوش چند درون‌مایه و موضوع اصلی می‌گردد و موضوعات فرعی کوچک‌تری را نیز به هم مرتبط می‌کند. جاه طلبی‌ها و آرزوها برای بهبود زندگی ممکن است به‌عنوان موضوع اصلی این رمان در نظر گرفته شود، زیرا از ابتدا شخصیت اصلی، یعنی پپ، در راه رسیدن به آرزوهای بزرگ و آینده

¹ Peter Coveney

عالی خود دیده می‌شود. پیپ با خواهر و شوهرخواهرش جو (Joe) زندگی می‌کند. اگرچه پیپ از سمت خواهرش مراقبت‌های خانوادگی دریافت می‌کند، اما از طرف او تنبیه بدنی می‌شود و در ترس همیشگی از او زندگی می‌کند. ترس و آزار جسمی از جانب خواهرش، آسیب‌پذیری کودکان در عصر ویکتوریا را نشان می‌دهد.

علاوه بر این، پیپ از نظر عاطفی رنج می‌برد، زیرا احساس می‌کند سربار است. پیپ می‌گوید: «فکر می‌کنم که ایده کلی خواهرم این باشد که من یک نوجوان متخلف هستم... همیشه طوری با من رفتار شده که انگار من کاملاً در مقابل عقل، دین و اخلاق قرار دارم...» (دیکنز ۲۹). رفتار سایر افراد غیر از نزدیکان او نیز به همین شکل یا بدتر است؛ به‌عنوان مثال، آقای واسپل او را با یک خوک مقایسه می‌کند که ذهنیت خشن و مبتذل مقامات کلیسا (و به‌طور کلی بزرگسالان) در مورد کودکان را تأیید می‌کند که معتقد بودند نباید با کودکان خردسال بهتر از حیوانات رفتار کرد.

پیپ، نمونه‌ای از کودکان ویکتوریایی است. در فصل‌های ابتدایی رمان، دیکنز تصویری زنده از دوران کودکی را ترسیم می‌کند. خواننده می‌تواند وارد ذهن پیپ شود و دنیا را از چشم یک کودک ببیند. کلمه «پیپ» خود به معنای دانه‌ای از یک گیاه است که شاید می‌تواند دو معنای ضمنی داشته باشد: یکی اینکه بذر را باید پرورش داد و از آن مراقبت کرد تا رشد کند و شکوفا شود. معنای دیگر اینکه می‌تواند نشان دهنده‌ی دیدگاه بی‌تفاوتی و بی‌ارزشی در مورد کودکان باشد. به نظر دیکنز، کودکان نیازها و احساسات خاصی دارند و بزرگسالان باید نیازهای آنها را درک کنند. تفسیر اجتماعی دیکنز از به تصویر کشیدن شخصیت‌های کودک در رمان، نشان می‌دهد که دوران کودکی دوران سختی است، به‌ویژه زمانی که بزرگسالان بدون توجه به نیازهای واقعی کودکان در این روند رشد دخالت می‌کنند و آنها را درگیر پیچیدگی‌های دوران بزرگسالی، می‌کنند. در واقع، دیکنز بحث رشد طبیعی در مقابل پرورش سازمان یافته را در رمان برجسته می‌کند. آیا سوابق شخصی مانند پیپ واقعاً می‌تواند روی شخصیت او در آینده تأثیر بگذارد؟ آیا پیپ با وجود دوران کودکی سخت و غم‌انگیزش می‌تواند یک جنتلمن شود؟ این بحث در رمان نشان دهنده‌ی علاقه‌ی دیکنز به مطرح کردن این موضوع در پس زمینه ویکتوریایی با رویکردی جامعه‌شناختی است. داستان پیپ با توجه به شرایط خانوادگی او شکل می‌گیرد. در واقع «خانواده» عامل کلیدی برای درک شخصیت کودک در رمان است. وقتی به پیشینه‌ی خانوادگی پیپ نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که او در یک خانواده معمولی شاد زندگی نمی‌کند. او یک پسر بچه یتیم است که جاه طلبی‌اش برای داشتن زندگی بهتر در طبقات بالاتر جامعه پس از ملاقات با استلا (Stella) و خانم هاویشام (Havisham) آغاز می‌شود. از رفتار خانم هاویشام با او، می‌توان فهمید که قهرمان کودک می‌تواند به راحتی به وسیله یک فرد بزرگسال آلت

دست قرار گیرد. خانم هاویشام از استلا برای انتقام گرفتن خیانت انجام شده به خودش در عشق استفاده می‌کند. استلا فقط یک آلت دست در بازی خانم هاویشام است، زیرا او باید هرآنچه را که خانم هاویشام می‌خواهد انجام دهد. با این حال، خانم هاویشام تنها کسی نیست که با کودکان به عنوان آلت دست رفتار می‌کند؛ خواهر پپ از ابتدای رمان، رفتار بد و خودخواهانه‌ای با او دارد. پس او از محبت مادرانه محروم است و هیچ‌کس چندان اهمیتی به او نمی‌دهد. با این حال، چند استثنا وجود دارد. رابطه پپ و جو در رمان به صورت دوستانه مطرح شده است. به نظر می‌رسد جو یک دوست و همراه واقعی برای پپ باشد. با این وجود، عجیب به نظر می‌رسد که تنها کسی که به او اهمیت می‌دهد و محبت می‌کند، یعنی جو، خویشاوند نسبی و خونی او نیست. گویی جو به نحوی نقش مادر پپ را برایش بازی می‌کند. همچنین، بیدی (Biddy) در موقعیتی تقریباً مشابه با جو برای پپ قرار دارد و فرد دوست داشتنی دیگر است. بنابراین نیاز پپ به مراقبت و محبت مادرانه برآورده نمی‌شود و وی از داشتن خانواده‌ای معمولی محروم است. این وضعیت برای اکثر کودکان در عصر ویکتوریایی وجود داشت. دوران کودکی باید دوران آزادی و لذت باشد، اما در این رمان با توجه به واقعیت‌های ویکتوریایی، کودکان بار مسوولیت زیادی را به دوش می‌کشند و باید با آن زندگی کنند. به عنوان مثال، استلا با خانم هاویشام که بد اخلاق و غرغرو است زندگی می‌کند و آزادی ندارد و کودکی او کنترل شده است. در مورد پپ هم به همین شکل او مجبور است بد رفتاری‌ها و مجازات‌های خواهرش را تحمل کند، چرا که همان‌طور که خواهرش می‌گفت: «او را با دستان خودش بزرگ کرده بود» (دیکنز ۳۵) و علاوه بر این، بار مسوولیت کمک کردن به جو در آهنگری را نیز برعهده دارد.

در شخصیت پردازی پپ، می‌توان گفت که در واقع دو پپ در رمان وجود دارد: یکی پپی که سال‌ها پس از وقوع رویدادهای رمان، داستان خود را روایت می‌کند. و دیگری آن پپی که شخصیت اصلی رمان است. بنابراین، یکی صدایی است که داستان را بازگو می‌کند و دیگری فردی است که آن را بازی می‌کند. دیکنز به صدای پپ یک پختگی اضافه می‌کند و نشان می‌دهد که او چه احساسی نسبت به آنچه که برایش اتفاق افتاده، دارد. این مسئله نشان می‌دهد که دیکنز کودکان را افرادی معصوم می‌داند و ما می‌توانیم داستان را بهتر از دیدگاه یک کودک ببینیم. در این مسیر به سمت جنتلمن بودن، او تحت تأثیر ارزش‌های سطحی جامعه ویکتوریا قرار می‌گیرد. در نهایت، او از رفتار ناسپاسانه خود نسبت به برخی از شخصیت‌های رمان مانند جو و بیدی شرمند می‌شود. در واقع او ماهیت طبیعی و محبت آمیز خود و نیز معصومیت اولیه دوران کودکی‌اش را دوباره کشف می‌کند.

در جمله‌ی آغازین، پیپ خود را راوی رمان معرفی می‌کند و از برخوردش با مگویچ (Magwich) می‌گوید که در نهایت سرنوشت او را هم همین ملاقات رقم می‌زند. سپس از احوالات دلسوزانه‌اش می‌گوید: یتیم است، از هوای طوفانی می‌ترسد و می‌رود به کمک یک محکوم. در برخورد با محکوم، یعنی مگویچ، طبیعت معصوم پیپ بلافاصله مشخص می‌شود؛ وی در پاسخ به پرسش خشن مگویچ، صادقانه و با احترام در مورد شرایط خانوادگی خود صحبت می‌کند، در حالی که همزمان درجه‌ای از روحیه و شجاعت را از خود نشان می‌دهد که احترام خواننده را به خود جلب می‌کند: «به شدت ترسیده بودم و آنقدر گیج بودم که با هر دودست به او چسبیدم و گفتم: اگر لطف کنید به من اجازه دهید که خوب راست و سرپا بمانم، قربان، شاید دیگر این قدر ضعیف نباشم و بتوانم بیشتر به شما توجه کنم» (دیکنز ۵). دیکنز نشان می‌دهد که چگونه یک شخصیت کودک از ابتدا جهان را به‌خوبی منعکس می‌کند. پیپ به‌عنوان یک شخصیت حساس، به خوبی از موقعیت و احساس خود آگاه است، علی‌رغم اینکه او فقط یک کودک است. کودک دیکنزی در *آرزوهای بزرگ*، دنیای خود را به اندازه دنیای بزرگسالان مهم می‌داند. علاوه بر این، دیکنز کودکان را موجوداتی با ارزش برای جهان و شایسته رفتار منصفانه نشان می‌دهد. به گفته‌ی موریسون^۱ (۲۰۱۰)، طبیعت پاک و معصوم پیپ در دوران کودکی را می‌توان در واکنش او به مگویچ در همان ابتدای رمان مشاهده کرد، جایی که می‌بینیم پیپ به وعده خود برای تحویل دادن غذا و سوهان به محکوم عمل می‌کند. البته این قول باعث تعارض اخلاقی درونی برای پیپ می‌شود؛ از آنجایی که پیپ نوجوان، قدرت تشخیص قوی‌ای دارد، بین عمل به قول خود به مگویچ و دزدی از دوستش جو درمیان دوراهی قرار می‌گیرد. دیکنز این دوراهی اخلاقی را با شدتی فراتر از آنچه از یک کودک هفت ساله انتظار می‌رود، به تصویر می‌کشد.

در ابتدا، پیپ را پسری روستایی می‌بینیم که به طبقه‌ی کارگر تعلق دارد و شاگرد آهنگر روستا است و در دهکده‌ای کوچک زندگی می‌کند. ایده‌آل جنتلمن شدن بعد از ملاقات استلا در خانه خانم هاویشم به ذهن پیپ می‌آید. در واقع آرمان‌های او پس از آن دیدار تغییر می‌کند. در این مرحله دیگر آرزوی بزرگ او آهنگری ساده شدن نیست؛ بلکه ایده‌آلش جنتلمن شدن است که این ایده‌آل با سفر به لندن برای دستیابی به برخی فرصت‌های مالی در ذهن وی تقویت می‌شود. این ایده‌آل ذهن پیپ را به بهای انطباق با هنجارهای اجتماعی غالب جامعه ویکتوریا به خود مشغول می‌کند. جامعه بورژوازی ویکتوریا آرمان‌هایی را به او تحمیل می‌کند و اگر می‌خواهد به جایگاه اجتماعی بالاتری دست یابد باید به آن آرمان‌ها توجه کند. پیپ برای تبدیل شدن به یک جنتلمن تلاش زیادی می‌کند. اما باید تسلیم هنجارهای جامعه شود و فردیت خود را کنار بگذارد. در ابتدا او فقط به این فکر می‌کند که به‌عنوان

¹ Morrison

شاگرد جو کار کند تا با قدرت تخیل و معصومیت یک کودک، صنعتگری ماهر شود. مهم‌ترین رویداد در تکامل اخلاقی و معنوی پیپ اولین برخورد او با استلا در خانه ساتیس (خانه خانم هاویشام) است (فارس ۸). طی این ملاقات، پیپ مجبور می‌شود با استلا ورق بازی کند. در پایان آن جلسه، پیپ از خودش و رفتار و ظاهر طبقه پایین خودش شرمند می‌شود. تحقیر استلا این‌گونه بود: «و چه دست‌های زمختی دارد! و چه چکمه‌های کلفتی!» (دیکنز ۵۷) رفتار و گفتار صریح و توهین آمیز استلا باعث خجالت پیپ می‌شود و می‌گوید: «هرگز به این فکر نکرده بودم که روزی از دستانم خجالت بکشم» (دیکنز ۵۸). پیپ متوجه می‌شود که علت معمولی بودن او روستایی بودن است و اینکه جزو طبقه پایین جامعه است و به همین دلیل به وسیله استلا تحقیر شده است. او احساس خود را بعداً بدین شکل اعتراف می‌کند: «من احساس بدبختی می‌کردم. [...] که او گفته بود من معمولی هستم، و می‌دانستم که من معمولی هستم، و آرزو می‌کردم که ای کاش معمولی نبودم» (دیکنز ۶۶). پیپ که قبلاً یک پسر روستایی ساده بود، حالا آرزو می‌کند که یک جنتلمن محترم شود شاید بتواند استلا را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، همانطور که چسترتون^۱ (۲۰۰۱) می‌گوید: «[دیکنز] منظورش این بود که نشان دهد چگونه شرایط می‌تواند مردان را در جامعه بورژوازی ویکتوریا فاسد می‌کند با آرمان‌هایی که دستیابی به تحرک اجتماعی را فقط از طریق انطباق با هنجارهای غالب جامعه در نظر می‌گیرد» (۱۱۳)، که در تضاد با ماهیت واقعی و معصوم یک کودک قرار دارد. علاوه بر این، زیبایی استلا، منجر به شیفتگی می‌شود که در بقیه رمان وجود دارد و تا مراحل آخر، به «اصل راهنمایی تبدیل می‌شود که پیپ را به جستجوی موقعیت اجتماعی بر حقیقت و صداقت برمی‌انگیزد» (موریسون ۳۴).

در حین ملاقات با خانم هاویشام، خانم هاویشام به پیپ مکرراً می‌گویند «دوستش داشته باش»، که کلمات «مانند نفرین» را به زبان می‌آورد» (دیکنز ۲۳۱). او ادامه می‌دهد: «من به شما می‌گویم عشق واقعی چیست. این فداکاری کورکورانه، تحقیر بی‌چون‌وچرای خود، تسلیم کامل، اعتماد و اعتقاد علیه خود و در برابر تمام جهان است، و تمام قلب و روح خود را در اختیار دیگران قرار دهید. کوبنده - همانطور که من کردم!» (دیکنز ۲۳۱) خانم هاویشام به وضوح از زبان یک فرد بالغ، ایده‌آل‌های عصر ویکتوریا را بیان می‌کند که کاملاً با زبان یک کودک متفاوت است. «این موضوع درون‌مایه اصلی دیکنز را نشان می‌دهد که می‌گوید چگونه بزرگسالان اغلب به کودکان آسیب می‌زنند، زیرا آنها بدون فکر برنامه‌های خود را دنبال می‌کنند» (موریسون ۴۰).

¹ Chesterton

باید اضافه کرد که حتی دیکنز از نام خانم هاویشم و مکانی که او زندگی می‌کند به صورت نمادین استفاده کرده است. نام او ترکیبی از فعل «داشتن» و اسم «شام» به معنای چیزی نادرست است. بنابراین، کنایه‌ای در نام او وجود دارد و این نوع داشتن را می‌توان با نام عمارت او یعنی خانه ساتیس ربط داد - «ساتیس» کلمه لاتین به معنای «به اندازه‌ی کافی» است. خانم هاویشام از نظر مادی هر چه می‌خواست داشت، اما از نظر معنوی فقیر بود. دیکنز از طریق شخصیت پردازی خود پیام و مضمون اخلاقی خود را به خواننده نشان می‌دهد و آن اینکه ثروت برای رفاه و برآورده کردن آرزوهای بزرگ کافی نیست. علاوه بر این، دیکنز طوری رمان را پیش می‌برد که روابط پیپ با استلا شکست بخورد تا بر ضرورت ساخت یک ایده‌آل به‌وسیله‌ی خود فرد تاکید کند.

طبق نظر واتسون^۱ (۲۰۱۸)، «بیدی همیشه صدای استدلال پیپ بوده است، و بازگشت پیپ به سمت بیدی در انتهای رمان نشانگر این است که ساخت واقعی‌تر هویت فرد باید مطابق با آرمان‌های خود فرد باشد» (۳۱). بیدی می‌داند که پیپ تصور اشتباهی از مفهوم «خود» دارد، خودی که کاملاً بر اساس آنچه خودش می‌خواهد است، و نه بر اساس آنچه عملاً می‌تواند به دست آورد. وقتی پیپ به بیدی می‌گوید که «می‌خواهد به حساب [استلا] نجیب‌زاده شود» (دیکنز ۱۲۵)، بیدی در پاسخ می‌گوید: «آیا می‌خواهی یک جنتلمن باشی، از او متنفر باشی یا او را واقعا دوباره به دست آوری؟» (دیکنز ۱۲۵). در اینجا، بیدی از پیپ می‌خواهد که پاسخی مستقیم در مورد نیت خود بدهد، اما پاسخی دریافت نمی‌کند. او در ادامه می‌گوید که استلا «ارزش به دست آوردن ندارد» (دیکنز ۱۲۵)؛ یعنی ارزش ندارد که کسی را فقط به خاطر زیبا بودن و موقعیت اجتماعی بالا بخواهیم. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که پیپ با کوچ از منطقه روستایی به لندن می‌تواند وضعیت بهتری پیدا کند و با ویژگی‌های جنتلمنی خود می‌تواند خود را جزئی از جامعه لندن بداند، اما نمی‌داند که راه را اشتباه می‌رود. دوست پیپ، هربرت در مورد ویژگی‌های یک جنتلمن واقعی می‌گوید: «[باید] در قلب یک جنتلمن واقعی باشی [و] در رفتار» (دیکنز ۱۶۶). این جمله نشان دهنده عقاید خود دیکنز است. او می‌خواهد تضاد بین آرمان‌های خود و جامعه ویکتوریا را نشان دهد. پیپ تلاش زیادی می‌کند تا با ارزش‌های سطحی جامعه تطبیق پیدا کند ، اما هرگز خود را یک جنتلمن واقعی احساس نمی‌کند.

همان‌طور که تمپل^۲ (۲۰۱۱) معتقد بود پیپ داستان را به‌عنوان «یک کودک طرد شده» آغاز می‌کند. پیپ نسبت به طرد شدن توسط دیگران کاملاً حساس است. حتی از کودکی نیز متقاعد شده است که جهان ذاتاً نسبت به او ناعادلانه برخورد کرده است. او می‌گوید: «من از دوران کودکی‌ام درگیری

¹ Watson

² Temple

همیشگی با بی‌عدالتی را تحمل کرده بودم. از زمانی که می‌توانستم صحبت کنم، می‌دانستم که خواهرم با اجبار دمدمی مزاجانه و خشونت‌آمیز خود، نسبت به من ظلم می‌کرد» (دیکنز ۶۱). این طرد شدن در سنین پایین از سوی این سه زن، استلا و خانم هاویشام و خواهرش است که باعث می‌شود او کسانی را که واقعاً دوستش دارند یعنی جو، بیدی و بعداً مگوییچ را طرد کند. این طردشدگی باعث شده پیپ احساس کند که باید دائماً شایستگی خود را به هر وسیله ممکن ثابت کند. بنابراین، او به سمت جنتلمن شدن سوق پیدا می‌کند. پس از بازدید از خانه ساتیس، او تبدیل به یک شخص دیگر می‌شود. پیپ دیگر نمی‌خواهد «معمولی» باشد. او دیگر نمی‌خواهد با طبقه پایین ارتباطی داشته باشد. او می‌خواهد طبق آرمان‌های جامعه‌اش، جنتلمن باشد. بنابراین، در این راه، او باید همه چیز را در مورد فردیت واقعی خود فراموش کند. به گفته موریسون (۲۰۱۰)، نقش مهم جو در رمان، برجسته کردن زوال اخلاقی پیپ پس از جنتلمن شدن او است. دیکنز آنچه را که پیپ در پایان رمان تجربه می‌کند با خواننده در میان می‌گذارد: کیفیت افراد، مهم است و نه اینکه فقط موقعیت اجتماعی آنها بالا باشد.

بنابراین، به‌عنوان یک شخصیت، دو ویژگی مهم پیپ عبارتند از: ایده‌آل‌گرایی نابالغ، رمانتیک و نیز وجدان ذاتاً خوب او؛ یعنی از یک طرف، پیپ میل عمیقی برای بهبود خود و دستیابی به هر پیشرفت ممکن، اعم از تحصیلی، اخلاقی یا اجتماعی دارد. تمایل او به ازدواج با استلا و پیوستن به طبقات بالای جامعه با ایده‌آل‌گرایی او مرتبط است. همچنین وقتی معنی واقعی فقر را بعد از جملات استلا در مورد معمولی بودنش می‌فهمد، نمی‌خواهد فقیر و نادان قلمداد شود. این نیز آرمان‌گرایی و سادگی او در کودکی را نشان می‌دهد. از آن زمان به بعد، پیپ راوی، اعمال گذشته خود را به سختی قضاوت می‌کند و به ندرت به خود برای کارهای خوب اعتبار می‌دهد و خود را برای کارهای بد سرزنش می‌کند. با این حال، ایده‌آل‌گرایی پیپ در کودکی او را به درک محدودی از جهان سوق می‌دهد، و ساده‌انگاری بیش از حد موقعیت‌ها براساس ارزش‌های سطحی کودکانه‌اش، او را به رفتار نامناسب با افرادی که واقعا به او اهمیت می‌دهند و او را دوست دارند، یعنی جو و بیدی، سوق می‌دهد. از سوی دیگر، پیپ قلباً یک جوان بسیار سخاوتمند و دلسوز است، این واقعیت را می‌توان در اعمال مهربانانه متعدد او در سراسر کتاب از جمله کمک به مگوییچ مشاهده کرد. این همان معصومیتی است که دیکنز معتقد بود در شخصیت‌های کودک حتی در زمان بزرگسالی هم وجود دارد. اگرچه کشف این مسئله که مگوییچ و نه خانم هاویشام ثروتمند، خیرخواه او بوده است، حس ساده شده پیپ از سلسله مراتب جهانش را در هم می‌شکند، اما او نوعی مهربانی از خود نشان می‌دهد که مربوط به معصومیت و پاکی دوران کودکی او می‌باشد.

هنر شخصیت‌آفرینی دیکنز را می‌توان اینگونه توضیح داد که چون کودکان معمولاً افرادی بی‌دفاع در جامعه هستند و ممکن است بیشتر در معرض سوء استفاده شدن قرار گیرند، دیکنز آنها را با مهارت بسیار و بهترین نحو مطابق با واقعیت به تصویر می‌کشد و همدردی خواننده را با وضعیت اسفناک آنها برمی‌انگیزد.

۳- نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بررسی ایده‌آل‌های کودکان در عصر ویکتوریا و مقایسه‌ی آنها با واقعیتی است که در *آرزوهای بزرگ* چارلز دیکنز با استفاده از رویکرد تاریخ‌گرایی جدید به تصویر کشیده شده است. با بحث در مورد وقایع تاریخی و عناصر اجتماعی و زندگی‌نامه‌ای دوران زندگی دیکنز در عصر ویکتوریا، رابطه‌ی بین متن رمان و زندگی دیکنز و زمان نگارش آن مورد تحلیل قرار گرفت. از آنجا که تاریخ نگاران جدید قصد دارند متن را از طریق بافت تاریخی آن درک کنند، ایده‌آل‌های مربوط به کودکان در طی تاریخ بررسی شد. ایده‌های ویکتوریایی عمدتاً با ایده‌های رمانتیک مطابقت داشت و کودکان را معصوم و ذاتاً خوب می‌دانستند. با این حال، این جامعه تا آنجا که به ایده‌ی کودکی مربوط می‌شود متناقض‌نما است. زیرا دوران کودکی را به‌عنوان یک دوره‌ی ضروری در زندگی یک فرد می‌دانست، اما به اکثر کودکان آن دوران فرصتی برای تجربه‌ی رشد و انتقال به بزرگسالی داده نمی‌شد. رمان *آرزوهای بزرگ* چارلز دیکنز بینش بزرگی از جامعه ویکتوریا ارائه می‌دهند. دیکنز تصویری بسیار واضح از دوران کودکی را در رمان خود ترسیم می‌کند. در این رمان، خواننده قادر است وارد ذهن پیپ شود و جهان را از چشمان کودکی در عصر ویکتوریا ببیند. این امکان‌پذیر است؛ زیرا او خودش تجربه کارکردن در دوران کودکی را داشته است. دیکنز در واقع خاطرات دردناک فراموش نشدنی دوران کودکی خود را در رمان‌هایش بازنویسی می‌کند. او با تاثیر از رویدادهای مختلف عصر ویکتوریا، جامعه را از منظر یک کودک مشاهده می‌کند تا مشکلات اجتماعی موثر بر کودکان را نشان دهد. دوران کودکی به‌نوعی استعاره از خواسته‌های جامعه ویکتوریایی شد و به‌عنوان وسیله‌ای برای تسکین ترس‌ها و اضطراب‌های آن زمان عمل می‌کرد. با این حال، نوعی تناقض بین رویاهای بزرگسالان از دوران کودکی و واقعیت شرایط کودکان وجود داشت. دیکنز در رمان‌های خود نگرانی شدید خود را در مورد آسیب‌پذیری کودکان نشان داده است. وی با انتخاب یک کودک به‌عنوان قهرمان رمان، توانسته است بین ایده‌آل‌های واقعی دوران کودکی شخصیت خود و ایده‌آل‌های دوران ویکتوریا تضادی ایجاد کند و با به تصویر کشیدن واقعیت، ایده‌آل‌های دروغین عصر ویکتوریا در مورد کودکان را درهم بشکند.

منابع

- Beyad, Marmyam Soltan and Sajjad Gheytsi, *Goftemansazi va Monazeate Goftemani dar Delband e Tony Morrison (Discourse Making and Discourse Argument in Tony Morrison's The Beloved)*. Tehran University Publication: Tehran, Iran. *Research in Contemporary World Literature (Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji)*, vol. 24, no. 1 (Spring and Summer 2020): 251-268.
- Boone, Troy. *Youth of Darkest England: Working-Class Children at the Heart of Victorian Empire*. New York, Routledge, 2005.
- Cain, L. "Dickens, Family, Authorship: Psychoanalytic Perspectives on Kinship and Creativity", Burlington, Ashgate Publishing Company, 2008.
- Chesterton, G. K. *Criticism and Appreciation of the Works of Charles Dickens*. Yorkshire, House of Strauss, 2001.
- Coveney, Peter. *The Image of Childhood; The Individual and Society: A Study of the Theme in English Literature*. Baltimore: Penguin Books, 1967.
- Davis, Paul. *Critical Companion to Charles Dickens*, New York, Facts on File, 2007.
- Dickens, Charles. *Great Expectations*. London, Penguin Books, 2002.
- Dutta, Anindita. "Children in Dickens's Novels". *International Journal on Studies in English Language and Literature (IJSELL)* Volume 2, Issue 2, February 2014, pp. 1-4 ISSN 2347-3126 (Online) www.arcjournals.org. Accessed 2 Feb 2020.
- Flegel, Monica, *Conceptualizing Cruelty to Children in Nineteenth-Century England. Literature, Representation, and the NSPCC*, Ashgate, Farnham, 2009.

- Foyouzi, Sobhan. "André Gide and Goftemanhaye Ghodrat; Negahi Now be Farayande Afsoonzodayee az Commonizm dar Ketab Bazgasht az Shoravi (André Gide and Power Discourses; A New Look at the Disenchantment of Communism from the Book 'The Return from the Soviet Union'"). *Research in Contemporary World Literature (Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji)*, Tehran University Publication: Tehran, Iran. vol. 27, no.1 (Spring and Summer 2021): 644-673.
- Gavin, Adrienne E. *The Child in British Literature: Literary Constructions of Childhood, Medieval to Contemporary*. London, Palgrave, 2012.
- Grace, R "Charles Dickens's Great Expectations: The Failed Redeemers and Fate of the Orphan" Liberty University, College of General Studies, Master of Arts in English, 2013.
- Greenblatt, Stephen. *Towards a Poetics of Culture*. London, Southern Review, 1987.
- Hardy, Barbara. *Dickens and Creativity*. London. Continuum, 2008.
- Harper, George Mc Lean. "The Intimations Ode" from William Wordsworth: His Life, Works, and Influence. Vol. II, London: John Murray, 1916.
- Hunt, Peter. *An Introduction to Children's Literature*. London, Oxford University Press, 1994.
- Kincaid, J.R. *Child-Loving: The Erotic Child and Victorian Culture*. London and New York, Routledge, 1992.
- Locke, Richard. *The Use of Childhood in Ten Novels*. New York, Columbia University Press, 2011.
- Mackenzie, N. & Mackenzie, J. *Dickens: A Life*, Oxford, Oxford University Press, 1979.

- Mc. Culloch, Fiona. *Children's Literature in Context*. London, Continuum International Publishing Group, 2011.
- Mohammadi, Alimohammad, "Roykardi Adabi be Hamkoneshiye Goftemani Ensan: Karbordhaye Pazhooheshi and Amooeshi (A Literary Approach to the Interaction of Human Discourse: Educational and Research Functions)", *Research in Contemporary World Literature (Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji)*, vol. 24, no.1 (Spring and Summer 2020): 123-147.
- Morrisson, Peter. *Study and Revise for GCSE Great Expectations*. London, Hodder Education, 2010.
- Nakajima, T. "Pip the hero and Pip the Sinner: A Study of Self-reproach in Great Expectations", Doshisha University, Kyoto, 1993.
- Orwell, George. *Fifty Orwell Essays*. London, Project Gutenberg, Styled by Limpid Soft. 1945.
- Pakarova. Katerina. "The Theme of Childhood in Oliver Twist", Masarky University, Bachelor Thesis, 2014.
- Palmer, William J. *Dickens and New Historicism*. New York, St. Martin's Press, 1998
- Phares, Jane. "Natural, Civilized, Citizen: Dickens' Characters and Rousseau's Philosophy" (PhD dissertation) The Graduate School Florida State University, 2009.
- Slater, M. *Charles Dickens*. Yale University Press, London, 2009.
- Stephanie, F. "An introduction to Charles Dickens's Great Expectations". London, The Open University Publication, 2004.
- Temple, Jennifer Mc. Clinton. *Encyclopedia of Themes in Literature*. New York, Library of Congress Cataloging-in-Publication Data, 2011.

Veese, A. *The New Historicism*, New York, Routledge, 1989.

Victorian Web: Literature, history and Culture in the Victorian age,

[Http://www.victorianweb.org/misc/ge.html](http://www.victorianweb.org/misc/ge.html)

Watson, Ethan. "Desire in the Bildungsroman: Construction and Pursuit of an Ideal Self Through the Ideal Other",

<https://digitalworks.union.edu/theses>, Union College. 2018.

Werenbery, C. " Pip's Quest for Gentility in Charles Dickens' Great Expectations". Sammara University Press, Sammara, 1995.

Wordsworth, William. *Lyrical Ballads*. London, Cambridge University Press, 2020.

Zeips, Jack. *When Dream Came True: Classical Fairy Tales and Their Tradition. (2nd Edition)*. London, Routledge, Taylor and Francis Group, 2007.